

۲۰۱۷۹۷۷

گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی

داستان خانان چین و نوشین روان

ابوالقاسم فردوسی

گردآورنده

بهرز ایمان زاده

سرشناسه	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۲۱۶ ق.
عنوان قراردادی	Ferdowsi, Abolqasem
عنوان و نام پدیدآور	شاهنامه، برگزیده گلچین اشعار حماسی شاهنامه فردوسی: داستان خاقان چین و نوشین روان/ابوالقاسم فردوسی؛ گردآورنده بهروز ایمانزاده.
مشخصات نشر	تهران: کلک فرانسه، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۶۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۳۲-۳-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	داستان خاقان چین و نوشین روان.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹ - ۴۲۱۶ ق. شاهنامه -- شخصیت‌ها
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Characters
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۴ ق.
موضوع	th century ۱۰ Persian poetry --
شناسه گروه	ایمانزاده، بهروز، ۱۳۲۶-
زده بندی ک	PIR ۱۲۹۷۴۴۹۱۹ ک/الف/
زده بندی وی	۳۱/۱۴۸
شماره کتابشناسی ما	۵۵۵۸۰۶



کلک فرانسه

ترس:

تهران، خیابان برادران گوهری ده متری
ارامنه کوچه شهید محمودی بلاک ۲ طبقه ۴

تلفن: ۲۵۲ ۰۱۴۷

نام کتاب: گلچین اشعار حماسی شاهنامه

داستان خاقان چین و نوشین روان

ابوالقاسم فردوسی

گردآورنده: بهروز ایمانزاده

صفحه آرای: محمد علیزاده

ویراستار: میثم حسین آبادی

ناشر: انتشارات کلک فرانسه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۴۳۲-۳-۸

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست

۵	مقدمه
۱۱	داستان بهبود، ستور نوشین روان
۱۴	آشنا را شن افسون زروان و یهودی و کشته شدن هر دو
۱۷	ساختن ته شین، زن ساژدین سورسان را
۱۸	داستان رزم خاقان چین با هیتالیان
۲۲	آگاه شدن نوشین روان از هیتالیان
۲۵	لشکر کشیدن نوشین روان برای کمک خاقان چین
۲۶	نامه‌ی خاقان چین به نزد نوشین روان
۲۸	پاسخ نامه‌ی خاقان چین از نوشین روان
۳۱	نامه‌ی خاقان درباره‌ی دادن دختر خویش را به نوشین روان
۳۴	فرستادن نوشین روان مهران ستاد را برای دیدن دختر خاقان
۳۷	فرستادن خاقان چین دختر را به همراه
۴۰	بازگشت خاقان چین و لشکر کشیدن
۴۲	باز آمدن نوشین روان به ایران زمین به پیروزی
۴۴	اندر آرام یافتن جهانیان از آیین نوشین روان
۴۶	پند دادن بوزرجمهر نوشین روان را
۵۵	اندر فرستادن رای هند شطرنج را نزد نوشین روان
۵۸	ساختن بوزرجمهر نرد را و فرستادن نوشین روان او را به هند
۶۰	ناشناختن دانندگان رای هند نردبازی را
۶۳	داستان گؤ و طلخند و پیدا شدن شطرنج

مقدمه

این کتاب هم فردوسی از لحاظ زنده کردن تاریخ و داستان ملی و از جهت نفس تازه دمیدن به زبان فارسی بی شبهه بزرگترین شاعر ایران زمین است. و دیگر سرایان و گویندگان ما در این هنر به پایه او نمی‌رسند. استادلی به بزرگی تاریخ که ریچه‌ای به جهان ادبیاتمان گشود هم او بود که پارسی را زنده کرد و با سیوان سخن، ادبیات را ماندگار کرد. تا آنجا که آوازه‌اش تا کرانه‌ها پیچید. فردوسی یکی از ستارگان درخشان آسمان ادب فارسی و از مفاخر نام آور ملت ایران است و به سبب همین عظمت مقام و مرتبت، زندگی او مانند سایر بزرگان در دوره اول ایرانی با افسانه‌ها و روایات مختلف آمیخته شده دریا شخصی بدن بزرگی و مقام، شرح حال و تاریخ زندگیش ناقص و مجهول است. آنچه بر ما معلوم است اندکی از بسیار است. تولد او در سال ۳۲۹ در نریه یا از ناحیه طبران طوس بوده یعنی همان جا که امروزه آرامگاه اوستا فرسوس مردی وطن پرست و در میهن پرستی استوار بود. این مطلب را می‌توان در جای شاهنامه و خصوصاً از شور و عشق فردوسی که در ستایش ایران و نژاد ایرانی است و به خوبی آشکار است یافت بطوریکه سی و پنج سال برای سرودن شاهنامه رنج می‌برد و تمام دارایی خود را از دست می‌دهد و در پایان عمر تهدیدست می‌شود چرا که عشق به ایران و ایرانی تا آنجا در وجودش رسوخ کرده بود که بر آن شد تاریخ میهن خود و افتخارات گذشته آنرا که در خطر نیستی و فراموشی می‌دید احیا کند و بتواند از

بلاغت و فصاحت معجزه آسا و شیوایی سخن خود بهره مند شود و آن را از زوال و فراموشی برهاند. و باید گفت که در این راه خدایی کرد: تا آنجا که حتی در مرگ پسرش از ادامه کار باز نایستاد تا شاهنامه را همانگونه که از نامش بر می آید جاودان نماید، برای ایرانی که می خواست جاودان بماند. زبان از گفتن هر آنچه در این ۳۵ سال بر او گذشته قاصر است باشد که باسش «بداریم این در دانه تاریخ را». فردوسی از تاریخ نیاکان خود و از «استانها و افسانه‌ها و تاریخ ایران اطلاع و یا به داشتن آنها شوق و علاقه داشت و تربیت خانوادگی وی را بر این داشت که بدون مشوق و محرک، خود به این کار عظیم دست زند. در حالیکه تذکره‌نویسان در شرح حال فردوسی نوشته‌اند: که او به تشویق سلطان محمود به نظم شاهنامه پرداخت و رعایت این اشتباه آن است که نام محمود در نسخ موجود شاهنامه، که در بین سحاح شاهنامه فردوسی است توسط خود شاعر گنج‌انیده شده، نسخه این شاهنامه که مختصر بود به منظوم ساختن متن شاهنامه ابومنصوری، مرتسی آغاز شده بود، که ۱۹ سال از عمر دولت سامانی باقی بود و اگر فردوسی تقدم منظومه خود را به پادشاهی لازم می‌شمرد ناگزیر به درگاه آل سامان، که پدیدار اینگونه آثار بود، روی می‌نمود و به هر حال نمی‌توانست در آن تاریخ به درگاه سلطانی که هنوز روی کار نیامده بود بشتابد. محمود، ترک را به عنوان غنای نه تنها در شاهنامه استاد طوس تأثیری نداشت، بلکه تنها کار او فساد قتل گنه‌نده آن به گناه دوست داشتن نژاد ایرانی و اعتقاد به تشیع بوده است و سر...

نظم داستانهای حماسی:

فردوسی ظاهراً در اوان قتل دقیقی حدود «۳۶۹ - ۳۷۶» به نظم داستانهای مشغول بوده و بعضی از داستانها که منفردند «بیژن و گرازان»، را باید در رأس همه قرار داد. داستان بیژن و گرازان یا رزم بیژن و گرازان و